



عکس: حسام قلعه‌اسدی

گفت و گو با معصومه خوش‌لهجه
برگزیده جشنوارهٔ چهل و پنجم فیلم رشد

در مسیر زندگی

معصومه خوش‌لهجه متولد سال ۱۳۷۷ در قم است. او که می‌خواست داستان‌نویس باشد، برای شرکت در جشنوارهٔ رشد به تهران آمد و اکنون مهمان این شمارهٔ مجله ماست. اگر بخواهم توصیفی کلی از معصومه داشته باشم تا صدایش را در حین خواندن مصاحبه بشنوید، باید بگویم دختری مهربان، آرام و خندان با یک عالمه استرس است که از آسمان روی سرش می‌بارد! بیشتر از این دربارهٔ کارگردان انیمیشن «مسیر زندگی» ات را انتخاب کن» حرفی نمی‌زنم تا خودتان زوایای دیگر شخصیتش را کشف کنید...

معصومه چرا باید بین این همه رشته سراغ کارگردانی انیمیشن می‌رفتی؟

عاشق ادبیات و نوشتن بودم، از همان اوایل بچگی. اتفاقاً درست زمان انتخاب رشته، وقتی یک عالمه دو دو تا چهارتا کردم، متوجه شدم انیمیشن همه‌چیز در خودش دارد؛ نقاشی، داستان‌نویسی، حرکت، جذابیت و... برای همین هم خواستم کارگردان باشم تا به تمام

علاقه‌هایم در تمام زمینه‌ها دسترسی داشته باشم.

برای ساخت یک اثر بیشتر چه موضوع‌هایی را انتخاب می‌کنی؟

به زندگی آدم‌های دور و برم خیلی توجه می‌کنم. سعی می‌کنم از نگاه آدم‌های مختلف به معضلات شهر نگاه کنم و کمی مؤثر باشم. البته نه آن قدر که کارهایم شعارزده بشوند، اما ایدهٔ اصلی را از دیدن آدم‌ها می‌گیرم.

بیشتر از بعد رنگی و شاد زندگی

مردم الهام می‌گیری یا از بعد غم‌انگیز و ناراحت‌کنندهٔ زندگی‌شان؟

● به‌نظر من همهٔ آدم‌ها خوشبخت‌اند، اما من می‌روم سراغ بدبختی‌هایی که هر کس دارد و بعد سعی می‌کنم از وسط بدبختی، خوش‌بختی‌ها را نشان بدهم؛ یا مسیری‌هایی را که بدبختی به خوشبختی تبدیل شده است.

چه تلاش‌هایی می‌کنی تا انیمیشن یا فیلم بهتری بسازی؟

● پدر فیلم‌نامه را درمی‌آورم! صد بار پاک می‌کنم و از اول می‌نویسم. دفترم شبیه دفتر مشق بچه‌های تنبل دبستانی کر و کثیف است. دوست دارم فیلم‌نامه‌هایم پویا باشند. مستقیم یک حرف را فرو نکنند توی گلوی مخاطب. از طرف دیگر، بعد از نوشتن فیلم‌نامه هم سعی می‌کنم آهنگ و موسیقی مناسبی روی اثر بگذارم. از انیمیشن‌های خوب خارجی الهام می‌گیرم. طراحی شخصیت‌ها را بامزه می‌کنم و از این دست کارها.

به شهرت هم فکر می‌کنی؟

● نه خیلی، اما اینکه ادعا کنم اصلاً مشهور شدن برایم مهم نیست، دروغ است. ترجیح می‌دهم به موفق شدن فکر کنم. بعضی‌ها اعتقاد دارند شهرت مانع موفقیت است، اما به‌نظر من می‌شود هم مشهور بود هم موفق. مثلاً همین انیمیشن «مسیر زندگی» را انتخاب کن» برگزیده شد، اما اول نشد، حتماً اگر موفقیت بیشتری نصیبم می‌شد، از الانم خوشحال‌تر و البته مشهورتر می‌شدم!

فیلم‌بازها

لورل: می‌خوام ازدواج کنم
هاردی: اِ چه خوب، با کی؟
لورل: خب معلومه دیگه، با یه زن. مگه تا حالا
کسی رو دیدی که با یک مرد ازدواج کنه؟
هاردی: آره، خواهرم!

